

تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم

مصباح الهدی باقری*

مهدی سپهری**

سعید مسعودی پور***

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۷

پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۱۶

چکیده

در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و با تأکید بر تفسیر المیزان، ابتدا به تبیین سنت رزق و ابعاد آن پرداخته شود. سه بعد برای الگوی مفهومی در نظر گرفته شد که رزق، رازق و مرزوق مقوله های اصلی را تشکیل می دهد. در مقوله اول موضوعاتی نظیر مصداقهای رزق، توصیفات رزق، دوگانهای رزق، قبض و بسط رزق و حکمت و عوامل آن تبیین شد. در مقوله دوم خداوند متعال به عنوان رازق حقیقی معرفی شد. در مقوله سوم موضوعات مختلفی نظیر رفتار مرزوقین در مقابل قبض و بسط رزق، آسیبهای رفتاری در بهره‌مندی از نعمت و وظایف مرزوقین در مقابل بهره‌مندی از رزق تبیین شد. در ادامه دو کارکرد سازمانی نهادینه شدن سنت رزق بیان شد. کارکرد نخست بر توجه به سنتهای الهی در برنامه‌ریزیهای سازمانی در سطوح مختلف تأکید دارد. کارکرد دوم بازخوانی اصل رقابت به عنوان مبنایی‌ترین مفهوم در نظریه‌های مدیریت راهبردی مبتنی بر تفکر بازار است که برای تحلیل آن یک مسیر چهار سطحی پیشنهاد شد. سطوح این مسیر به ترتیب عبارت است از غایت شناسی، سنت شناسی، رابطه شناسی و روش شناسی. این نوشتار تا حدودی ناظر به سطح سنت شناسی است و البته در خصوص سطح رابطه شناسی اشاراتی برای تحلیل رابطه بین فردی انسانها در جامعه عرضه شد.

کلید واژه‌ها: سنت و رزق در قرآن کریم، کسب و کار و رزق، تفسیر المیزان، تحقیق موضوعی در قرآن.

mesbab@yahoo.com

* استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

mahdi1353sephri@gmail.com

** استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

*** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت بازاریابی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

s.masoodipoor12@gmail.com

۱ - مقدمه

بدون شک یکی از مهمترین دغدغه‌های هر مکتب و نظام فکری که برای اداره زندگی بشری ادعای داشتن برنامه و نظریه دارد، مسائل و موضوعات اقتصادی است. اینکه انسانها در هر جامعه بر اساس چه الگویی و با توجه به چه ضابطه‌ها و باید نبایدهایی باید در تعاملات تجاری و اقتصادی وارد شوند، موضوعی است که هر مکتب مبتنی بر مبانی جهان بینی و ایدئولوژی خویش سعی در عرضه پاسخ در مورد آن دارد. در این خصوص تفاوتی میان مکتب الهی و مکاتب ساخته دست بشر نیست.

در نظامهای انسانی، حوزه رفتاری از نظام اعتقادی و نگرشی تأثیر می‌پذیرد. البته اعتقادات می‌تواند از رفتارها نیز تأثیر بپذیرد. بر این اساس یکی از موضوعات مهم در آموزه‌های اسلامی که بر زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، سنتهای الهی است. سنتهای الهی به قوانین تغییرناپذیر خداوند اطلاق می‌شود که بر عالم هستی حاکم است و از مجرای آن جاری می‌شود. یکی از ابعاد و وجوه اعتقادی انسان به نظام الهی، اعتقاد به همین سنتهای الهی است. با این توضیحات می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حوزه رفتاری انسان کاملاً می‌تواند از این اعتقاد تأثیر بپذیرد. از نگاه اسلامی یکی از سنتهای الهی حاکم بر هستی، رزق است. اعتقاد به سنت را می‌توان یکی از مهمترین و اثرگذارترین مبانی اعتقادی دینی در زندگی مادی و دنیوی انسان معرفی کرد. نهادینه سازی رفتارهای اسلامی در حوزه کسب و کار به شناخت مبانی اعتقادی مؤثر در این حوزه نیاز دارد؛ امری که اگر بخوبی تبیین، و بستر لازم برای نهادینه سازی آن فراهم شود، می‌تواند به حاکمیت رفتارهای اسلامی در کسب و کار کمک شایانی کند. اعتقاد به این سنت، که سرشار از معارف توحیدی و الهی است، می‌تواند اصلاح کننده و ایجاد کننده رفتارهایی مبتنی بر نظام اعتقادی دینی در حوزه کسب و کار گردد. حاکمیت رفتارهای مشروع و اخلاق اسلامی در روابط تجاری در جامعه اسلامی نیازمند تقویت بنیادهای اعتقادی اثرگذار در این حوزه است. یکی از این مبانی اعتقادی سنت رزق است که این پژوهش در صدد تبیین نقش آن در این مقوله است.

۲ - بیان مسئله

با توجه به اینکه کسب و کار و معیشت انسانی یکی از مهمترین و حیاتی‌ترین مسائل جامعه است، لزوم عرضه الگو و باید و نبایدهای اعتقادی و رفتاری در این حوزه، بدیهی به نظر می‌رسد.

وجود رفتارهای غیراسلامی و غیراخلاقی در روابط اقتصادی و تجاری بین افراد جامعه بر وجود مسئله در این حوزه دلالت دارد؛ امری که باید برای عرضه راهکار اثربخش در مورد آن از مبانی اعتقادی اسلامی کمک گرفت. همان‌طور که ذکر شد، یکی از مهمترین این مبانی اعتقادی، رزق است. مسئله و موضوعی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن است این است که عوامل و مبادی اعتقادی به این سنت چیست و در صورت اعتقاد به این سنت چه کارکردها و نتایجی به همراه خواهد داشت؛ ضمن اینکه علاوه بر نگاه اصلاحی، می‌توان نگاه تعالی بخشی و تکاملی در حوزه کسب و کار داشت. حاکمیت اندیشه و اعتقادات مبتنی بر نظام الهی و توحیدی بر جامعه اسلامی می‌تواند زمینه ساز رشد و تکامل آنها را فراهم کند. یکی از مهمترین و اثرگذارترین این اعتقادات، اعتقاد به سنت رزق و نگاه الهی و توحیدی به آن است. بنابراین در کنار حذف رفتارهای غیرشرعی، که از مبانی فکری نادرست سرچشمه می‌گیرد، نگاه‌های تکاملی نیز می‌تواند از جمله کارکردهای نهادینه کردن اعتقادات اسلامی در افراد باشد.

علاوه بر این بعد تربیتی، این تحقیق می‌تواند نقشی هر چند کوچک در تبیین مبانی حوزه مدیریت بازرگانی از دیدگاه اسلامی ایفا کند. بدون شک دستیابی به مدیریت اسلامی نیازمند شکل‌گیری مبانی و بستری است که بتوان بر مبنای آن به بنای نظریه اسلامی اقدام کرد. مسلماً یکی از مهمترین آموزه‌های دینی در خصوص حوزه کسب و کار، سنت رزق است که این پژوهش در توان خویش سعی در تبیین آن دارد.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش، تحقیق موضوعی در قرآن کریم است (لسانی فشارکی و زنجانی، بی‌تا) که سعی شده است بر مبنای رویکرد تفسیری قرآن به قرآن و با تاکید بر تفسیر گرانسنگ المیزان، شبکه معنایی و مفهومی تبیین شود. روش تحقیق موضوعی در قرآن که در سال‌های اخیر مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است، بر مبانی و مبادی معرفت‌شناسی اسلامی مبتنی است. مراحل هشتگانه روش تحقیق موضوعی به صورت خلاصه عبارت است از:

- ۱- تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق
- ۲- مشخص کردن کلیدواژه‌های مناسب برای برشمردن اولیه آیات
- ۳- مشخص کردن آیات از ریشه مد نظر و تعیین سیاق آنها

- ۴- قرائت مکرر آیات مشخص شده و یادداشت نکات تدبری و یا سؤالات در مورد آنها
- ۵- مطالعه آیات در رکوعاتشان و تصحیح یا اضافه نمودن نکات
- ۶- شکل گیری الگوی اولیه
- ۷- مراجعه به تفاسیر معتبر و عرضه نکات برای اصلاح یا اضافه نمودن نکات جدید و یافتن پاسخ سؤالات^(۱)

۴- ادبیات موضوع

۴-۱- سنتهای الهی

به طور کلی کلمه سنت در سه مورد به کار رفته است: یکی به صورت عام که به معنای روش است؛ دیگری به صورت سنت نبی که به معنای روشی است که نبی اکرم (ص) بر اساس آن عمل می‌کرد و دیگری به صورت سنت خدا است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۹). سنت را در لغت می‌توان نظیر طریقه و روش دانست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۴۲). اگر این واژه به طور عام بیاید، همان معنا از آن فهم می‌شود؛ اما گاهی این کلمه به صورت سنت نبی اکرم ذکر می‌شود که منظور از آن روش و طریقه و سبکی است که رسول خدا (ص) داشتند. در این معنا از سنت به اعتبار شیوه رسیدنش به ما، سنت را به سنت متواتر و آحاد تقسیم می‌کنند (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶: ۹). اما کاربرد سوم این کلمه همراه شدن آن با اسم مبارک الله است: سنه الله. در این مورد «سنت، روشی است که خداوند برای تدبیر جهان مقرر می‌فرماید و به تعبیر دیگر قوانینی که به فرمان الهی بر جهان حکمفرماست و در واقع این قوانین، همان اراده الهی است که به جهان، نظام خاصی می‌دهد. با توجه به اینکه انسان در نظام هستی، محکوم این سنتهاست، شناخت این سنتها برای رسیدن انسان به کمال واقعی خویش، لازم و ضروری است» (سهراب‌پور، ۱۳۷۹: ۸).

در قرآن کریم ۲۱ بار کلماتی که از ریشه «سنن» ساخته شده، به کار رفته است که این کلمات در ۱۱ سوره و ۱۵ آیه قرار دارد. «از مجموعه آیاتی که در آن لفظ سنت الهی به کار رفته است این گونه برداشت می‌شود که سنت مجموعه‌ای قوانین ثابت و اساسی تکوینی یا تشریحی خداوندی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد» (شریفی، ۱۳۸۴: ۳۵). نظم حاکم بر تاریخ و حکمت الهی حاکی است که این سنتها با یکدیگر هماهنگ است و مناسبات حساب شده‌ای دارد؛

یعنی در زمان و مکان خاص و بعد از تحقق مقدماتشان جریان می‌یابند (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۹۷). البته باید اذعان کرد که لفظ سنت در قرآن بر قانون الهی در عذاب کافران و مشرکان دلالت دارد؛ یعنی کاربرد این کلمه در قرآن در بیان تهدید و اندازی است که مخاطبان خود را از خطر مبتلا شدن به سنت الهی آگاه می‌سازد که عذاب را به دنبال دارد؛ اما باید توجه کرد که لزوماً این گونه نیست که سنت به معنایی که ذکر شد تنها در آیاتی باشد که سنت یا مشتقات آن به کار رفته است.

«واژه خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه و تاریخ به کار می‌رود، «سنت» است. برخی از سنتهای الهی در قرآن کریم با همین لفظ مشخص شده ولی آیاتی هم هست که اگرچه این واژه در آنها به کار نرفته، بیان‌کننده نوعی از سنتهای الهی است» (حامد مقدم، ۱۳۶۵: ۲۹)؛ به عبارت دیگر قطعاً آیات دیگری هست که بیان‌کننده سنتهای الهی است؛ اما کلمه سنت در آنها به کار نرفته است. هم چنین این گونه نیست که این قوانین تنها در حوزه مجازات کافران و نافرمانان جاری شود؛ به عنوان مثال «جمعبندی آیات قرآنی نشان می‌دهد که یاری رساندن به مؤمنان از جمله سنتهای قطعی خداوند است» (شریفی، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ لذا می‌توان با توجه به معنای ذکر شده از سنت و آیات قرآن، سنت رزق را یکی از سنتهای قطعی معرفی شده در قرآن دانست.

۴ - ۱ - ۱ - ویژگیهای سنتهای الهی

مهمترین ویژگیهای سنتهای الهی را می‌توان به صورت زیر مشخص کرد:

۱ - استناد سنت به خدا: نخستین نکته‌ای که از ترکیب اضافی سَنَّةُ اللَّهِ به دست می‌آید، استناد آن به الله است؛ این امر، حاکمیت بینش توحیدی را نشان می‌دهد که حتی روابط حاکم بر طبیعت، انسان، جامعه و تاریخ به عنوان تجلی اراده الهی و نشانه ربوبیت و تدبیر او در نظر گرفته می‌شود (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۴ و ۳۵).

۲ - عمومیت داشتن: در حقیقت این ویژگی مقوم سنت است به طوری که اگر سنت از آن برخوردار نباشد، اصولاً سنت و قانون نامیده نخواهد شد. مفهوم شمول سنت این است که امکان استثنای بعضی از افراد و اقوام از سنت امکان ندارد و در زمان فراهم آمدن شرایط هر سنت اجرای آن حتمی است (قاضی زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

۳ - عدم تبدیل و تحویل پذیری: غیر از شمول و عمومیت سنتهای الهی درباره قوم و گروه واحد، اجرای سنتهای الهی دستخوش تبدیل و تغییر نخواهد شد. دو احتمالی که در مقابل قطعیت اجرای سنت هست، یکی این است که هر سنت به سنت دیگر تبدیل شود و دیگر اینکه سنت را

خداوند از قومی به قوم دیگر برگرداند و مثلاً عذابی را که برای عدّه‌ای مقرر شده است بر گروه دیگری نازل کند. (قاضی زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۲) در حالی که قرآن می‌فرماید فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر/ ۴۳). البته تحویل و تبدیل ناپذیری سنتهای الهی را نباید با بی‌قید و شرط بودن آن و عدم تلاقی، تراحم و کسر و انکسار سنتهای مختلف خلط کرد. سنتهای الهی در عین تحویل و تبدیل ناپذیری، دارای شرایط، تراحم و کسر و انکسار است و چه بسا سنتی پیامد سنت دیگری را بکاهد یا زمینه جریان آن را بکلی از بین ببرد یا از بروز و ظهور پیامد خاص آن جلوگیری کند.

۴ - حفظ آزادی و اختیار انسان: در مقابل بعضی از فلسفه‌های مادی، که در تغییرات اجتماعی به اراده انسانی ارزش نمی‌دهند و مثلاً تأثیر ابزار تولید و طبقه اقتصادی و... را در بروز اصلاحات یا انقلابات می‌پذیرند و از اختیار و اراده انسانی غافل مانده‌اند، قرآن کریم به نقش اساسی خواست و اراده انسان توجه می‌دهد؛ حتی اجرای بعضی از سنتهای الهی، که فضای الهی بر تحقق بلا قید و شرط آن قرار گرفته است بر اثر تضرع و رفتار نیک افراد جامعه تغییرپذیر است. در علم کلام از این مسئله به بداء یاد می‌کنند (قاضی زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۳). به تعبیر شیوای آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رحمه الله سنتهای اجتماعی و تاریخی خداوند از زیر دست انسانها جریان می‌یابد (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۷).

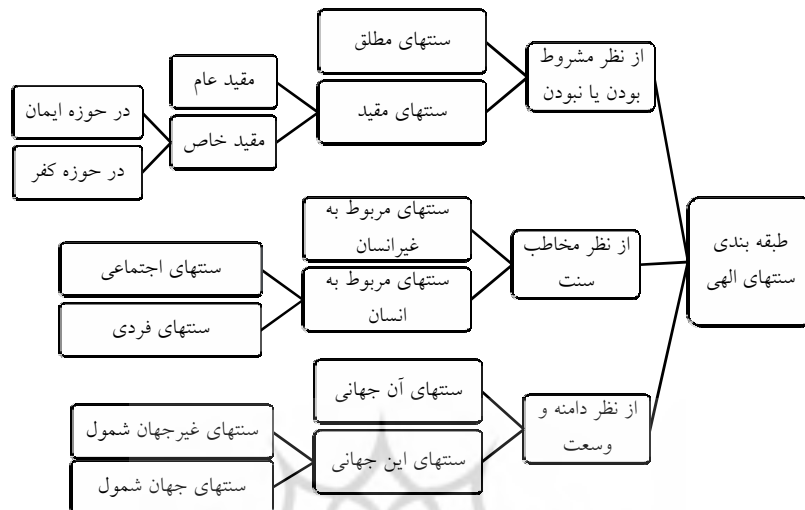
۵ - نظام طبیعی، چهارچوب اجرای سنتها: در بینش قرآنی، روابط بین پدیده‌ها پذیرفته، و بر پیوند علی و معلولی بین آنها تأکید می‌شود و در عین حال، همین پیوندها و روابط را مظاهر تدبیر، حکمت، قدرت و حاکمیت اراده الهی می‌داند (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۵). این سنتها در دیدگاه قرآن، بعدی غیبی و فرامادی دارد با این حال همه رخدادهای جهان ماده از واقعیتی عینی و طبیعی نیز برخوردار است. در واقع همه سنتهای خداوند در چهارچوب نظام طبیعی این جهان اجرا می‌شود. بنابراین هر پدیده غیبی که درباره انسان در این جهان نمود می‌یابد، افزون بر بعد متافیزیکی از دیدگاه روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز تبیین‌پذیر و تحلیل‌شدنی است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۳۲).

۴ - ۱ - ۲ - نوع شناسی سنتهای الهی

از سنتهای الهی می‌توان بر اساس معیارهای مختلف، طبقه‌بندی و دسته‌بندیهای گوناگونی

عرضه کرد. سهراب پور (۱۳۷۹) سنتهای الهی را در یک طبقه‌بندی به دو بخش تقسیم می‌کند: «سنتهای بالفعل و سنتهای بالقوه. منظور از سنتهای بالقوه سنتهایی است که تحقق آن به اراده انسان و رفتار و افکار و انگیزه‌های او بستگی دارد. اما سنتهای بالفعل آنهایی است که تحقق خارجی دارد و اراده و رفتار و افکار انسان نوعاً در حاکمیت آنها نقشی ندارد و به شرط یا شروطی مشروط نیست» (سهراب پور، ۱۳۷۹: ۸ و ۹). سنتهای الهی هم چنین به اخروی و دنیوی تقسیم می‌شود. سنتهای اخروی راجع به زندگانی آن جهانی انسانها و پاداش و کیفر اخروی رفتارشان، است و سنتهای دنیوی به زندگی این جهانی آدمیان مربوط است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۶ به نقل از سلیمی، ۱۳۸۵: ۲۵) یا به تعبیر دیگر به سنتهای این جهانی و آن جهانی. سنتهای دنیوی را می‌توان به سنتهای جهانشمول و غیر جهانشمول تقسیم کرد (رجبی، ۱۳۸۳: ۳۴). ملاک تقسیم در سنتهای بالقوه و بالفعل، اراده و رفتار انسان بود. اما به طور کلی‌تر از این حیث که آیا سنتهای الهی به شرایط و قیودی مشروط باشد یا نباشد را می‌توان به سنتهای مطلق و عام تقسیم کرد که سنتهای مقید به مقید عام و مقید خاص تقسیم می‌شود (نقی پورفر، ۱۳۸۲: ۱۱۱). البته در دسته‌بندی دیگر سنتهای مقید مخصوص اهل حق در چهار عنوان آمده است: زیادت نعمتهای معنوی و اخروی، تحیب و تزین ایمان، زیادت نعمتهای مادی و دنیوی و پیروزی بر دشمنان. سنتهای مقید و مشروطی که مخصوص اهل باطل است نیز در هشت عنوان ذکر شده است: زیادت ضلالت، تزین رفتار، املا و استدراج، امهال، ابتلا به دشواریها، تسلط مجرمان و مترفان، استیصال و شکست از دشمنان (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۵۸-۴۳۷ به نقل از سلیمی، ۱۳۸۵: ۲۵)؛ لذا همان‌طور که ملاحظه می‌شود سنتهای الهی تنها در حیطه عقاب الهی مطرح نمی‌شود.

شکل ۱ نشان‌دهنده برخی از معیارهایی است که بر اساس آن می‌توان به دسته‌بندی و طبقه‌بندی سنتهای الهی اقدام کرد. روشن است که بر اساس معیارهای دیگری نیز می‌توان به دسته‌بندی سنتهای الهی اقدام کرد.^(۲)



شکل ۱ - طبقه بندی سنت‌های الهی

۴ - ۲ - معنای لغوی رزق

برخی آن را به معنای اعطای جاری و بهره و نصیب معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۱). نعمت دادن با توجه به مقتضای حال طرفی که دریافت کننده آن است به گونه‌ای که مطابق با نیاز وی برای بقا و دوام زندگی او باشد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴: ۱۱۵). برخی گفته‌اند که رزق اعطا و بخشش در وقت معین است (ابوالحسین، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۸۸)؛ هم چنین گفته‌اند رزق چیزی است که از آن بهره و استفاده شود (واسطی و همکاران، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۶۱)؛ لذا می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد که رزق هر آن چیزی است که انسان از آن بهره می‌برد؛ مادی یا معنوی، دنیوی یا اخروی، ملکی یا ملکوتی، اعتباری یا حقیقی باشد. با این توضیح نه تنها خوردنیها و پوشیدنیها بلکه بهره‌های معنوی مانند عزت، کرامت، آبرومندی، علم، نبوت و رسالت، خلافت، ولایت و امامت همگی رزق به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۰۰). از نظر علامه طباطبایی کلمه رزق در طول زمان توسعه و گسترش معنایی پیدا کرده است به طوری که می‌توان آن را در سه مرحله بیان کرد:

- نوعی بخشش و عطا بوده که تنها شامل مواد غذایی می‌شده است.

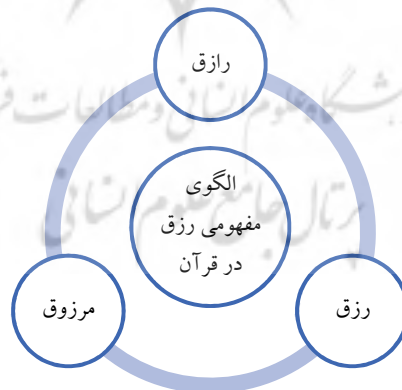
- هر غذایی که به آدمی می‌رسد چه اینکه دهنده‌اش معلوم باشد و چه اینکه نباشد، رزق نامیده می‌شود. در این مرحله عنصر تلاش و کوشش انسان نمایان می‌شود و تناسبی میان رزق و تلاش

آدمی خواهد بود.

- هر سودی که به انسان برسد هر چند غذا نباشد؛ لذا به این اعتبار تمام مزایای زندگی اعم از مال و جاه و عشیره و یاوران و جمال و علم و ... رزق خوانده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۱۴)

۵ - الگوی مفهومی رزق از دیدگاه قرآن

بر اساس روش پژوهش استفاده شده، گام بعد از مشخص کردن حیطه موضوعی و تحدید آن در قالب بیان مسئله، انتخاب کلیدواژه یا کلیدواژه‌هایی است که بتوان بر اساس آن به مشخص کردن آیات مرتبط با موضوع اقدام کرد. اصلی‌ترین کلمه کلیدی در این پژوهش، تمام مشتقاتی هستند که از ریشه «رزق» ساخته می‌شود. در کل قرآن کریم، ۱۲۳ بار کلماتی به کار رفته که از این ریشه ساخته شده است که این کلمات یا از قسم اسم به حساب می‌آید یا فعل. این تعداد کلمه در ۱۰۹ آیه و ۴۴ سوره استفاده شده است. با بررسی آیات، می‌توان مفاهیم و موضوعات مرتبط با رزق را در سه عنوان کلی رزق، رازق و مرزوق دسته‌بندی کرد؛ لذا ابتدا به خود رزق پرداخته خواهد شد. رزق فاعل و فرستنده‌ای دارد که در عنوان رازق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت رزقی که از جانب رازق تأمین می‌شود به استفاده مرزوقین می‌رسد که در عنوان مرزوق ابعاد این موضوع از دیدگاه قرآن تبیین خواهد شد.



شکل ۲ - الگوی مفهومی رزق در قرآن

۵ - ۱ - رزق

با توجه به معنایی که از رزق بیان شد، قطعاً مصداقهای فراوانی را می‌توان برای آن برشمرد. اما برخی از مصداقهای آن در قرآن کریم عبارت است از زمین قابل سکونت، آسمان، باران و میوه‌ها (بقره/۱۲۶)، من (بقره/۵۷)، سلوی (اعراف/۱۶۰)، آب چشمه (بقره/۶۰)، امنیت (بقره/۱۲۶)، طعام مخصوص الهی (آل عمران/۳۷)، انعام (انعام/۱۴۲)، نبوت (هود/۸۸) و

۵ - ۱ - ۱ - توصیفات رزق

قرآن کریم اوصاف متعددی برای رزق ذکر می‌کند که برخی از مهمترین آنها در ذیل مشخص می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱ - رزق طیب: در آیات متعددی با تعبیرهای مختلف به رزق طیب اشاره شده است؛ از جمله بقره ۵۷ و ۱۷۲، مائده ۸۸، یونس ۹۳، نحل ۷۲ و ۱۱۴، اسراء ۷۰ و کلمه طیب در مقابل کلمه خبیث^(۳)، معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۳۱). منظور از رزق طیب یعنی انواع رزقهای گوناگونی که طبیعتش با طبیعت آدمی سازگار است. بنابراین مطلق چیزهایی که آدمی در زندگی و بقای خود از آنها استمداد می‌جوید، مانند مسکن، همسر و ... رزق طیب به شمار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵۲۴ و ج ۸: ۱۰۱). البته باید توجه کرد که کلمه طیب در کنار رزق به این معنا نیست که رزق غیرطیب هم هست، بلکه هر آنچه مفهوم رزق بر آن صدق کند طیب است. اباحه در مصرف رزق طیب تا وقتی است که استفاده از آن از حد اعتدال تجاوز نکند و گرنه جامعه را به انحطاط تهدید، و شکافی در بنیان آن ایجاد می‌کند که مایه نابودی آن است. کمتر فسادی در عالم ظاهر می‌شود و کمتر جنگ خونینی است که نسلها را قطع و آبادیها را ویران سازد و منشأ آن اسراف و افراط در استفاده از زینت و رزق نباشد، چون انسان طبعاً این طور است که وقتی از جاده اعتدال بیرون شد، کمتر می‌تواند خود را کنترل، و به حد معینی اکتفا کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰۲ و ۱۰۳).

۲ - رزق حسن: آیات ۸۸ هود، ۶۷ و ۷۵ نحل و ۵۸ حج از جمله آیاتی است که تعبیر رزق حسن در آن به کار رفته است. وحی و نبوت داده شده به حضرت شعیب که شامل اصول معارف و فروع شرایع است یکی از مصداقهای رزق حسن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵۴۸). اگر رزق ظاهری در مقابل حرام قرار گیرد، رزق حسن نامیده می‌شود؛ چنانکه خداوند درباره بهره حلال از انگور در برابر استفاده حرام از آن مانند شراب‌سازی می‌فرماید: وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ

تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (نحل / ۶۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۱۹). اگر با این معنا بخواهیم به آیه ۸۸ سوره هود بنگریم، شاید بتوان گفت به این دلیل نبوت داده شده به حضرت شعیب، رزق حسن نام برده شده که در مقابل انحراف و کجروی مشرکان عصر خویش بوده است. در واقع به دلایل مختلف از جمله سلطه و قدرت سران آن وقت، مردم را گمراه می کردند و اجازه هدایت آنها را نمی دادند؛ لذا در مقابل آن هجمه تبلیغاتی، برخورداری حضرت شعیب از نبوت و هدایتگری را با رزق حسن یاد می کند.

۳- رزق کریم: در ۶ آیه قرآن کریم ترکیب رزق کریم به کار رفته که عبارت است از انفال ۴ و ۷۴، حج ۵۰، نور ۲۶، احزاب ۳۱ و سبا ۴. علامه طباطبایی معنای رزق کریم را نعمتهای بهشتی معرفی می کند که نیکان از آن ارتزاق می کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۲ و ج ۱۴: ۵۵۲ و ج ۱۶: ۴۶۰)؛ لذا می توان رزق کریم را تنها توصیفی برای رزق اخروی دانست.

۴- رزق معلوم: تعبیر رزق معلوم تنها در یک جا در قرآن کریم به کار رفته است: **أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ** (صافات / ۴۱). اسم اشاره اولئك به بندگان مخلص بر می گردد که در آیه پیش به آن اشاره شده بود: **إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ** (صافات / ۴۰). در خصوص معنای معلوم بودن رزق، نظریات متعددی هست؛ اما از نگاه علامه طباطبایی معلوم بودن رزق ایشان، کنایه است از ممتاز بودن آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۰۵).

۵- رزق تفضیل داده شده: یک آیه از قرآن کریم به طور واضح و روشن به رزق تفضیل داده شده اشاره دارد: **وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلَيْسَ اللَّهُ بِجَحْدُونَ** (نحل / ۷۱). خداوند بعضی از مردم را در رزق و دارایی بر بعضی دیگر برتری داده و این تفاوت گاهی از جهت کمیت است؛ مانند فقر و غنا که شخص توانگر به چند برابر شخص فقیر برتری داده شده و گاهی از جهت کیفیت است، مانند داشتن استقلال در تصرف در مال و نداشتن آن مثل مولای آزاد که در تصرف در اموال خود مستقل است ولی برده اش این استقلال را ندارد و جز با اذن مولایش نمی تواند تصرفی بکند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۲۶).

۶- رزق به غیر حساب: در مجموع در پنج آیه قرآن کریم، رزق با عبارت به غیر حساب توصیف شده است: بقره ۲۱۲، آل عمران ۲۷ و ۳۷، نور ۳۸ و غافر ۴۰. به غیر حساب گاهی به لحاظ رزق است و زمانی به لحاظ مرزوق و گاهی به لحاظ رازق. البته ظاهر اولیه آن همان لحاظ اول

است؛ لیکن ذو وجوه بودن قرآن حکیم از یک سو و گستره احتمالات معقول درباره هر آیه از سوی دیگر، صحابه تفسیر را به هر سو روانه می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۶۱). علامه طباطبایی از این سه احتمال به غیرحساب بودن را از جانب رازق معنا می‌کند: «توصیف رزق به صفت بی‌حسابی از این بابت است که رزق از ناحیه خدای تعالی بر طبق حال مرزوق صورت می‌گیرد، نه عوضی در آن هست و مرزوق نه طلبی از خدا دارد و نه استحقاقی نسبت به رزق» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۱ و ۲۲۰).

۷ - رزق من حیث لایحسب: زیباترین توصیف رزق را می‌توان رزق من حیث لایحسب دانست که در یک آیه قرآن به پرداخته است: ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ... (طلاق ۲ و ۳). اهمیت این آیه تا اندازه‌ای است که علامه طباطبایی آن را از آیات برجسته قرآن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۳۰).

از نظر اینکه در جملات شریفه وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق / ۲) بین آیات طلاق واقع شده و با مورد طلاق منطبق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۲۷)، می‌توان اطلاق آیه را نیز در نظر گرفت که در این صورت معنای کلی‌تری از آن به دست خواهد آمد که معنای دوم نیز مورد توجه المیزان قرار گرفته است. آیه کریمه می‌فرماید هر کس از خدا بترسد و به حقیقت معنای کلمه پروا داشته باشد، خدای تعالی چنین بنده‌ای را به حکم يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می‌دهد؛ دیگر به اسباب ظاهری دل بسته نیست و به حکم وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ از جایی که او احتمالش را هم ندهد و پیش‌بینی نمی‌کند، رزق مادی و معنوی را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۲۸ و ۵۲۹).

۵ - ۱ - ۲ - دوگانهای رزق از دیدگاه قرآن

از دیدگاه دینی دوگانهای متعددی در خصوص رزق می‌توان بیان کرد که مهمترین آنها به این شرح است:

۱ - رزق تکوینی و رزق تشریحی: عنوان رزق تکوینی بر هر چیزی که انسان یا جاندار دیگر تغذیه می‌کند یا از آن به گونه دیگر بهره می‌برد صادق است؛ لیکن رزق تشریحی بر هر مال یا منفعت و یا انتفاعی، صادق نیست، مگر حلال باشد؛ چون در نظام تکوین، حلیت و حرمت اعتباری راه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۵۸ و ۱۵۹).

۲ - رزق حلال و رزق حرام: تقسیم‌بندی رزق به تکوینی و تشریحی، این سؤال را مطرح می‌کند

که آیا می‌توان رزق تشریحی را به دو قسم رزق حلال و حرام تقسیم کرد. «اشاعره پنداشته‌اند حلال و حرام، هر دو رزق است؛ ولی به گفته معتزله رزق چیزی است که بهره‌وری از آن صحیح و حلال باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۰۰). همان‌طور که پیش از این اشاره شد، آنچه از لحاظ تشریح حرام باشد، رزق به حساب نمی‌آید. اگرچه به رزق حرام در این آیه اشاره شده است در هیچ آیه‌ای از زبان خداوند رزق حرام به عنوان مفهومی در مقابل رزق حلال قرار نگرفته است^(۴):
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ
 (یونس / ۵۹).

۳ - رزق دنیوی و رزق اخروی: یکی دیگر از دسته بندیها در مورد رزق، تقسیم آن به رزق دنیوی و رزق اخروی است. برخی از مصداقهای رزق دنیوی در قسمت مصداقهای رزق بیان شد که از تکرار آن خوداری می‌شود. از جمله آیاتی که به رزق اخروی اشاره کرده است می‌توان به ص ۵۴، صافات ۴۹، آل عمران ۱۶۹ اشاره کرد. در مقایسه با جایگاه و نسبت میان رزق دنیوی و رزق اخروی باید گفت که «رزق حقیقی همانا رزق آخرت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۷۶).

۴ - رزق مادی و رزق معنوی: همان‌طور که ذکر شد «از دیدگاه قرآن کریم تنها به امور مادی رزق و نعمت گفته نمی‌شود بلکه شامل امور معنوی هم می‌گردد» (عصیانی، ۱۳۸۶: ۱۳). «بهره‌مندیهای معنوی مانند عزت، کرامت، آبرومندی، علم، نبوت و رسالت، خلافت، ولایت و امامت همگی رزق به شمار می‌رود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۰۰)؛ هم‌چنین یکی از بزرگترین رزقها، دینی است که خدای سبحان در اختیار بندگانش گذاشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۸۰). نکته قابل توجه اینکه تنها روزی مادی می‌تواند حلال و طیب و حسن یا حرام و خبیث و قبیح باشد؛ اما تمام رزقهای باطنی حلال است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۱۹).

۵ - رزق عام و رزق خاص: رزق همان‌طور که بیان شد عطیه‌ای الهی، و لذا رزق رحمتی است از خدای بر خلق و همان‌طور که رحمت بر دو قسم است، یکی رحمت عمومی که شامل همه خلق می‌شود، چه انسان و چه غیر انسان، چه مؤمن و چه کافر و دوم رحمت خاص که در طریق سعادت انسان صرف می‌شود، رزق خدا هم دو قسم است: یکی رزق عمومی که عطیه عام الهی است و تمامی روزی‌خواران را در بقای هستی امداد می‌کند و قسم دوم آن رزق خاص است که در مجرای حلال واقع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۱۹).

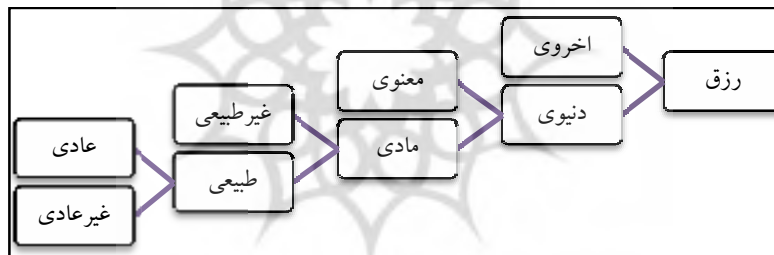
۶ - رزق طبیعی و رزق غیرطبیعی: رزق محسوس [یا مادی] گاهی طبیعی است و زمانی

غیرطبیعی؛ مانند مائده آسمانی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۵۷).

۷- رزق عادی و رزق غیرعادی: رزق گاهی عادی و زمانی غیرعادی است؛ مانند میوه فصل معین در فصل دیگر؛ زیرا میوه فصل معین در همان فصل رزق محسوب و عادی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۵۷). رزق عادی و غیرعادی هر دو طبیعی است؛ یعنی بر خلاف طبیعت و امور رایج نیست؛ منتها بر روال عادت زمانی خاص نبوده است؛ به عنوان مثال میوه یک فصل در فصل دیگر بر خلاف طبیعت نیست، اما برخلاف عادت است؛ چون جریان عادی در یک فصل این گونه است که میوه فصول دیگر در آن نیست. رساندن رزق طبیعی گاهی عادی است و زمانی غیرعادی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۵۷)؛ به عنوان مثال رزقی را که در آیه ۳۷ آل عمران بیان شده است می توان مصداقی از رزق غیرعادی دانست.

با توجه به دوگانهای مطرح شده، می توان یک دسته بندی از برخی از آنها در قالب شکل زیر

عرضه کرد:



شکل ۳ - دسته بندی رزق با استفاده از دوگانهای آن

۵- ۱- ۳- ابعاد سنت رزق

معنای روشتر رزق را می توان ذیل دو عنوان رزق مقدر و قبض و بسط رزق توضیح داد.

۵- ۱- ۳- رزق مقدر

همان طور که ذکر شد، رزق چه عمومی و چه خاص، مقدر و مکتوب است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۱۹). در خصوص تقدیر رزق به نظر می رسد که مراتب مختلفی وجود دارد؛ به عنوان مثال در حدیثی از رسول خدا آمده است که زمانی که انسان در شکم مادر است، خداوند فرشته خود را می فرستد تا در آن نفخ روح کند و دستور می دهد تا مقدر او را در چهار جهت بنویسد: یکی رزق، دوم اجل و مدت عمر، سوم عمل، چهارم سعادت و شقاوت (الدر المنثور، ج ۴: ۳۴۴ به نقل از

طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۹۹)؛ یعنی در آغاز آفرینش انسان، رزق او مقدر می شود؛ هم چنین در شب قدر که هر سال تکرار می شود رزق انسان به مدت یک سال تعیین می شود. شب قدر شب اندازه گیری است. خدای تعالی در آن شب حوادث یک سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می کند؛ زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۶۱).

یکی از مسائل قدیمی در خصوص تقدیر رزق، نسبت آن با تلاش و کار آدمی است. به طور خلاصه باید گفت تقدیر سابق الهی مانند علم سابق الهی است که موجب سلب اختیار انسان نمی شود. خدای سبحان به تمام پدیده ها و فعل و انفعالات عالم علم دارد و علم الهی چنین نیست که با پدید آمدن شیء حادث شود؛ این علم ازلی است و اساساً بحث زمان برای خدای سبحان مطرح نیست؛ لذا خدای تعالی به افعال اختیاری انسان نیز علم دارد و علم او ازلی است؛ یعنی از ازل دانسته است که فلان فرد در فلان ساعت از روی اختیار چه می کند (حجتی و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰).

۵- ۱- ۲- ۳- قبض و بسط رزق

همان طور که روزی از جانب خداست، وسعت بخشیدن یا محدود نمودن نیز به اراده و خواست اوست. بنابراین می توان یکی دیگر از جنبه های سنت رزق را به سنت قبض و بسط رزق مربوط دانست. در آیات متعددی از قرآن کریم بر باسط و قابض بودن خداوند در مورد رزق اشاره شده است؛ اسراء ۳۰، عنکبوت ۶۲، روم ۳۷، سبأ ۳۹ و...

نکته بعد بررسی حکمت قبض و بسط رزق است. از نگاه قرآن کریم منشأ محرومیت از روزی خود انسانها هستند (عصیانی، ۱۳۸۶: ۳۸)؛ چرا که قرآن می فرماید ذَالِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (انفال / ۵۳). در ادامه برخی از مهمترین حکمت های قبض و بسط رزق در زیر بیان می شود که به آن اشاره شده است:

۱. مجازات دنیوی: همان طور که پیش از این نیز ذکر شد، کفران نعمت الهی به محرومیت آدمی از آن منجر می شود (نحل ۱۱۲)؛ لذا یکی از علت های قبض رزق و قطع نعمت از انسان را می توان مجازات دنیوی به دلیل گناهان و نافرمانی الهی دانست. «بر اساس سوره ابراهیم رفتن انسان به سوی دو امر باعث محرومیت انسان می شود و آن دو چیز ظلم و کفران است» (عصیانی، ۱۳۸۶: ۳۸). البته باید توجه کرد که مجازات الهی گاهی در قالب بسط رزق متجلی می شود؛ چرا که گفته

شده است «حکمت دیگر وفور نعمت، استدراج است» (عصیانی، ۱۳۸۶: ۳۶)؛ به این معنی که باعث می‌شود فرد از یاد خدا و منعم غافل، و زمینه برای سقوط وی فراهم شود.

۲. آزمایش: «یکی دیگر از حکمت‌های تنگی، امتحان است. آزمایش، سنت همیشگی خداوند است که باعث می‌شود انسانها با احوال و ویژگی‌های درونی خود آشنا تر شوند و با شناخت عیبها و نقصهای خود در جهت اصلاح آنها اقدام کنند» (عصیانی، ۱۳۸۶: ۴۴). البته حکمت هم در قیض و هم در بسط نعمت ممکن است آزمایش الهی باشد که آیه فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (فجر/۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (فجر/۱۶) به آن اشاره دارد. از تکرار کلمه ابتلاء، هم در نعمت و هم در محروم کردن استفاده می‌شود که هم نعمت دادن خدا امتحان است و هم نعمت ندادنش (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۷۴).

۳. جلوگیری از طغیان و سرکشی: یکی از حکمت‌های الهی در عدم بسط رزق برخی از انسانها، جلوگیری از طغیان و خروج از مسیر بندگی آنان است. حکمتی که در مورد تمام انسانها نیست و براساس آیه زیر تنها بندگان خدا هستند که خداوند به دلیل جلوگیری از طغیان، رزق آنها را وسیع نمی‌کند: وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ بَقْدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (شوری/۲۷).

اگر خدای تعالی رزق همه بندگان خود را وسعت بدهد و همه سیر شوند، شروع می‌کنند به ظلم کردن در زمین؛ چون طبیعت مال این است که وقتی زیاد شد، طغیان و استکبار می‌آورد؛ هم چنانکه در جای دیگر فرموده: كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْطَافٍ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (علق / ۶ و ۷)؛ به همین دلیل خدای تعالی رزق را به اندازه نازل می‌کند و به هر کس به مقداری معین روزی می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۸۱). اصل تفاوت‌های متفاضل و نیازهای متقابل، لایه دیگری از مفهوم آیه را آشکار می‌سازد. مطابق این اصل، که بر سه عنصر اصلی تفاوت‌های تکوینی اولیه، توان فرایندگی و نیازهای متقابل متکی است، شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی در نظام اجتماعی انسان به نیازهای متقابل افراد به یکدیگر منوط است. در صورتی که روزی بندگان را به گونه‌ای فراخ می‌گرداند که به یکدیگر نیازمند نمی‌بودند، اصل پیشگفته مختل می‌شد (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۰)؛ به عبارت دیگر اگر خداوند به همه روزی را بسط می‌کرد همه دارا و غنی می‌شدند و در اثر رفع نیاز، امتیازات و قوی و ضعیف بودن از بین می‌رفت و مردم در اثر ثروت متجاوز می‌شدند و از یکدیگر تمکین نمی‌کردند و جوامع بشری متلاشی می‌شد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۵ و ۸۶).

نکته دومی که باید به آن اشاره شود عواملی است که انسان به وسیله آن می‌تواند رزق خود را قبض و بسط دهد. از مهمترین عوامل قبض رزق، که به دست خود انسان است، همان گناه و کفران نعمت بود که شرح آن گذشت. در این قسمت به عوامل بسط رزق پرداخته می‌شود که قرآن کریم به آن اشاره کرده است:

۱ - دعا: در چهار جای قرآن کریم مشاهده می‌شود برای طلب رزق از درگاه الهی دعا شده است: آل عمران ۳۷ و ۳۸، مائده ۱۱۴، بقره ۱۲۶، ابراهیم ۳۷. از آنجا که تمام این دعاها توسط انبیا و اولیای الهی بوده است، می‌توان این گونه برداشت کرد که یکی از عوامل مهم در توسعه رزق، دعا است.

۲ - انفاق: اگر اطلاق آیه زیر در نظر گرفته شود، می‌تواند بیانگر این باشد که انفاق از مال می‌تواند زمینه ایجاد وسعت در رزق را فراهم کند: لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُيَقِنُ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ... (طلاق / ۷). البته در تفسیر این آیه بر خلاف آیه دوم و سوم همین سوره، علامه طباطبایی تمسکی به اطلاق آیه نمی‌کنند و تنها در سیاق آن را تفسیر کرده، و نوشته‌اند: «کسی که فقیر و در تنگنای معیشت است و نمی‌تواند به زندگی همسر طلاق و کودک شیرخوارش توسعه دهد، هر قدر که می‌تواند از مالی که خدای تعالی به او عطا کرده به ایشان انفاق کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۳).

۳ - تقوا: یکی از مهمترین عوامل بسط رزق رعایت تقوای الهی است: مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ... (طلاق / ۲ و ۳).

۴ - استغفار: همان طور که گناه می‌تواند باعث سلب نعمت از انسان شود، طلب غفران الهی در مقابل می‌تواند موجبات بسط روزی را فراهم کند: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (نحل / ۱۰ و ۱۱).

۵ - ۲ - رازق

قرآن کریم در آیات مختلف با تعابیر متفاوتی از خداوند به عنوان رازق حقیقی یاد می‌کند؛ در برخی آیات به ضمیر اشاره می‌کند و در برخی از آیات از اسما و صفات الهی در این خصوص استفاده می‌کند که در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱ - الفاظ مورد استفاده در قرآن برای معرفی خدا به عنوان رازق

ردیف	ضمیر مستتر یا ظاهر متکلم مع الغیر (نحن، نا)	ذکر یک نمونه	آدرس نمونه ای از آیات
۱	ضمیر مستتر یا ظاهر متکلم مع الغیر (نحن، نا)	وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ... (اسراء / ۳۱)	بقره/ ۳؛ بقره / ۵۷؛ بقره/ ۱۷۲؛ بقره / ۲۵۴؛ انعام/ ۱۵۱
۲	ضمیر مستتر یا ظاهر للغائب (هو)	... وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال / ۲۶)	انفال / ۲۶
۳	الله	إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ (ذاریات / ۵۸)	قصص / ۸۲؛ عنکبوت / ۱۷؛ عنکبوت / ۶۲؛ روم / ۳۷؛ روم / ۴۰؛ سبأ / ۲۴؛ شوری / ۱۹
۴	رب	قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ... (سبأ / ۳۶)	طه / ۱۳۱؛ سبأ / ۱۵؛ سبأ / ۳۶؛ فجر / ۱۶

لفظ رازق تنها بر خداوند اطلاق نمی‌شود؛ اما رازق حقیقی تنها اوست. این مطلب مانند عزت است که در آیه‌ای خداوند می‌فرماید فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء / ۱۳۹) و در آیه دیگری می‌فرماید وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون / ۸). جمع بین این دو آیه به این صورت است که بر اساس اصل توحید که خدا منشأ همه چیز است، تمام عزت برای خدا است و لذا عزت رسول و مؤمنان هم از خدا سرچشمه می‌گیرد و خدا به آنها عزت بخشیده است و آنان از خود چیزی ندارند (عصیانی، ۱۳۸۶: ۲۰ و ۲۱). البته بر خلاف رازق، رزاق تنها صفت خداوند متعال است: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ. این آیه شریفه در مقام حصر رزاق در لفظ الله است.

۵ - ۳ - مرزوق

سومین مفهوم الگو، مباحث مربوط به مرزوقین است که در ذیل دسته بندی می‌شود:

۵ - ۳ - ۱ - رفتار مرزوقین در مقابل قبض و بسط رزق

برخی از آیات قرآن کریم رفتار عموم انسانها را در مقابل برخوردار شدن از نعمت الهی یا در مقابل امساک نعمت بیان می‌کند. از آنجا که غالباً این دو رفتار در تقابل با هم در آیات ذکر شده است، بهتر در این دیده شد که در کنار هم تبیین شود.

(۱) یاد خدا در زمان سختی و غفلت در زمان خوشی: در بسیاری از آیات قرآن کریم با امر به یادآوری نعمتهای الهی (بقره / ۴۰، ۴۷، ۱۲۲، ۲۳۱؛ آل عمران / ۱۰۳؛ مائده / ۱۱ و...) به یکی از وظایف مرزوقین در مقابل بهره مند شدن از نعمتهای الهی اشاره می‌کند. برخی از آیات به یکی از آسیبهای رفتاری مرزوقین در مقابل بسط و قبض نعمت اشاره می‌کند و آن غفلت و فراموشی از خداوند به عنوان رازق حقیقی و منعم واقعی در زمان برخورداری از نعمتها و در مقابل در سختی و دشواری به یاد خدا افتادن است: *فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَآ كِنٌ أَكْثَرُهُمْ لَآ يَعْلَمُونَ* (زمر / ۴۹).

(۲) ناامیدی هنگام قبض نعمت و سرمستی هنگام بسط نعمت: یکی دیگر از رفتارهای انسان در مقابل قبض و بسط نعمت، ناامیدی هنگام قبض و سرمستی در مقابل بسط نعمت است: *وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ* (روم / ۳۶). باید توجه کرد که واکنش رفتار ظاهربینانه انسان در مقابل رحمت الهی، تنها در خوشحالی ظاهری نیست. «جمله "فرحوا بها" در اینجا تنها به معنی خوشحال شدن به نعمت نیست، بلکه منظور شادی همراه با غرور و نوعی مستی و بی‌خبری است؛ همان حالتی که به افراد کم مایه به هنگامی که به نوایی می‌رسند دست می‌دهد و گرنه شادی همراه با شکر و توجه به خدا نه تنها بد نیست بلکه به آن دستور داده شده است: *قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبَدَلِكْ فَلْيُفْرِحُوا* (یونس / ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۳۶).

(۳) تصور تکریم در مقابل اعطای نعمت و تصور توهین در مقابل امساک نعمت: سومین آسیب رفتاری این است که انسان خیال می‌کند تمام اعطای نعمت خداوند به منظور گرامی داشتن اوست و اگر امساک از وی شود در واقع به منظور توهین به او بوده است در حالی که واقعیت امر ابتلای الهی است: *فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَآمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ* (فجر / ۱۶).

البته آسیبهای دیگری قابل ذکر است که نیازمند بررسی سایر آیات (به غیر از آیاتی که کلیدواژه رزق در آنها وجود دارد) است که می‌توان به بخل در هنگام رسیدن خیر و ناامیدی و عجز در هنگام سختی نیز اشاره کرد؛ از جمله در آیات نحل ۵۳، اسراء ۸۳، معارج ۲۰ و ۲۱ و فصلت ۴۹.

۵ - ۳ - ۲- آسیبهای رفتاری در بهره مندی از نعمت

یکی از موضوعات، آسیبهای رفتاری مرزوقین در بهره مندی از نعمتهای الهی است که در زیر به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱ - اتراف: یکی از آسیبهای رفتاری جدی و مهم در استفاده از نعمتهای الهی، اتراف است. راغب در مفردات در معنای این کلمه می نویسد: «التُّرْفَةُ: التَّوَسُّعُ فِي النِّعْمَةِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۶). صاحب کتاب لسان العرب نیز این گونه می نویسد: التُّرْفُ: التَّنَعُّمُ وَ التُّرْفَةُ النِّعْمَةُ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۱۷). همین طور مترف را فرد برخوردار از نعمت معنا کرده اند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۸۴). این وسعت داده شده در نعمت در تمام آیاتی که ریشه اتراف در آن به کاررفته، نامطلوب تلقی شده است. در واقع هم چنانکه در نعمت مترفین وسعت ایجاد شده به زیاده روی در بهره مندی و برخورداری از نعمتها منجر شده است، اتراف یا زیاده روی در لذایذ، کار آدمی را به جایی می کشاند که از پذیرفتن حق استکبار ورزد. ویژگی اتراف و غوطه ور شدن در نعمتهای مادی همین است که قلب آدمی بدانها متعلق شود و سعادت خود را در داشتن آنها بداند؛ حالا چه اینکه موافق حق باشد یا مخالف آن؛ در نتیجه همواره به یاد حیات ظاهری دنیا است و ماورای آن را فراموش می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۷۸). شکل ۴ نشاندهنده خلاصه ای از صفات مترفین است؛ زمینه هایی که به شکل گیری روحیه اتراف در انسان منجر می شود و در نهایت پیامدهای اتراف است:

<ul style="list-style-type: none"> • زیاده روی در برخورداری از لذایذ و نعمتهای مادی • مستی از نعمت و غفلت از ورای آن • به زیاده یا کمی نعمت ارتباطی ندارد؛ تعلق قلب آدمی بدانها مهم است. 	صفات مترفین
<ul style="list-style-type: none"> • زمینه لازم برای عدم پذیرش سخن حق • پیروی از هوی و هوس • ایجاد زمینه برای هلاکت و نزول عذاب 	پیامد و عاقبت اتراف
<ul style="list-style-type: none"> • حب به مال و زندگی دنیا • غفلت از منعم و عدم توجه به تکالیف در مقابل او 	زمینه های اتراف

شکل ۴ - موضوعات مرتبط با اتراف

۲ - تنوع طلبی قوم بنی اسرائیل در مقابل نعمتهای الهی: قرآن کریم در آیات زیر به داستان قوم بنی اسرائیل می‌پردازد که با وجودی که از نعمتهای الهی برخوردار، و بر جهانیان فضیلت داده شده بودند درخواست نعمتهای متنوع دیگری می‌کردند اما در نهایت به دلیل این کفران نعمت به عذاب الهی مبتلا شدند (بقره ۵۷ تا ۶۱).

۳ - زینت یافتن زندگی دنیا: یکی دیگر از آسیبها مسئله مهم زینت یافتن زندگی دنیا نزد انسانها است: *زُيِّنَ لِلدِّينِ كَفْرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَسْحَرُونَ مِنَ الدِّينِ آمَنُوا وَالدِّينَ اتَّقُوا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ* (بقره ۲۱۲). «منشأ مبارزه با دین، دوستی دنیاست؛ چنانکه منشأ یاری دین خدا ترک دنیاست. فرعون با اینکه می‌دانست حضرت موسی بر حق است در برابر او ایستاد: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا (نمل / ۱۴) و این نبود جز در اثر محبت به دنیا (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

۵ - ۳ - ۳ - وظایف مرزوقین در بهره‌مندی از رزق

مرزوقین در بهره‌مندی از رزق وظایفی دارند. در این قسمت برخی از این وظایف بیان می‌شود که در سیاقها به آن اشاره شد:

۱ - شکرگزاری: در آیات متعددی پس از بیان برخوردار بودن انسان از رزق الهی از او خواسته شده است که در مقابل این نعمت و رزق الهی شکرگزار باشد. می‌توان مهمترین وظایف انسان را در برابر رازق به جا آوردن شکر الهی دانست: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ ...* (بقره / ۱۷۲).

۲ - شرک نوزیدن: آیه ۲۲ سوره بقره شرک نوزیدن را به عنوان یکی از وظایف مرزوقین معرفی می‌کند. شرک مخصوص و منحصر در مشرکان عصر نزول قرآن نیست؛ حتی شرک در غیرموجدان منحصر نیست. مسلمانان نیز ممکن است درجه‌ای از شرک را داشته، و به آن مبتلا باشند. مصداقهای انداد در عصر اگر چه بت و سنگ نیست به نظر می‌رسد اعتقاد و اعتماد انسان نسبت به روزی رساندن از جانب آنها دست کمی از اعتقاد مشرکان آن وقت نداشته باشد. برخی از رفتارهای اقتصادی و ناظر به تأمین معیشت در جامعه اسلامی نشأت گرفته از همین شرک به رازقیت الهی است. «مثل و همتا قرار دادن برای خداوند گاهی در قالب شرک آشکار و مشهود و گاهی در قالب شرک پنهان و مستور است که هر دو نوع آن به دلیل واقع شدن نکره اندادا در ساق نفی لا تجعلوا که مفید عموم است، مورد نهی واقع شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲: ۴۰۰ و

۳۹۹).

۳- ذکر نعمت: همان‌طور که ذکر شد یکی از ابعاد شکر حقیقی یادآوری و ذکر نعمت است. این موضوع به طور مستقل به عنوان وظایف مرزوقین بیان شده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (فاطر / ۳). ذکر از آنجا که در مقابل غفلت است، انسان را از آن دور می‌کند و ذکر نعمت یعنی یادآوری این حقیقت که این نعمت همان‌طور که منعیمی دارد، منعیمی هم دارد.

۴ - عدم فسادگری: بر اساس آیه ۶۰ سوره بقره می‌توان یکی از وظایف مرزوقین در بهره‌مندی از رزق را عدم فسادگری معرفی کرد.

۵ - انفاق: به طور کلی انفاق مفهومی وسیعتر از انفاقهای مستحبی است. تکالیف و دستورهای واجب دینی نظیر خمس و زکات نیز از مصداقهای انفاق به شمار می‌رود؛ هم چنین دامنه انفاق فراتر از حوزه مالی است و شامل اموری نظیر علم و ... می‌شود. آنچه در انفاق حائز اهمیت است نیت الهی و خدایی داشتن است. قرآن کریم در بسیاری از آیات که مخاطبان را به انفاق تحریک و تشویق می‌کند به این واقعیت تذکر می‌دهد که آنچه انسان از آن انفاق می‌کند در اصل رزق الهی است؛ از جمله بقره/ ۲۵۴؛ نساء/ ۳۹؛ انفال/ ۳؛ ابراهیم/ ۳۱ و منافقون/ ۱۰.

یکی از مفاهیمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، انفاق سازمانی است. انفاق سازمانی شامل همه تکالیف حقوقی و اخلاقی سازمان می‌شود که غالباً در حیطه موضوعات مالی و اقتصادی است. تفاوتی که از نگاه اسلامی و نگاه متعارف بین موضوع مسئولیت اجتماعی و تکالیف سازمانی می‌توان ذکر نمود، نیت الهی و خدایی داشتن در نگاه اسلامی است.

۶ - تقوا: از آیه ۸۸ سوره مائده می‌توان این نکته را یافت که تقوای الهی یکی از وظایف افراد در برابر بهره‌مند شدن از رزق الهی است: وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (مائده / ۸۸). رعایت اعتدال و تقوا و پرهیزگاری در بهره‌گیری از این مواهب به عنوان شرط استفاده از نعمتهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۶۳). تفسیر دیگری که بیان شده این است که ای مردم مؤمن به وسیله تقصیر در تقوا، ایمانتان را ضایع نکنید که دچار حسرت خواهید شد. بهتر است از حرام کردن حلال خدا و همه معصیتها خودداری کنید و خدای خود را فراموش نکنید (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۸). در واقع تقوا را عاملی معرفی می‌کند که می‌تواند از حرام کردن روزیهای حلال جلوگیری کند.

۷ - پیروی نکردن از خطوات شیطان: پیروی نکردن از شیطان تکلیف دیگری است که از افرادی که از رزق الهی بهره‌مند شده‌اند خواسته شده است: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (انعام/ ۱۴۲). «مراد از پیروی خطوات شیطان، پیروی از تمامی دعوت‌های او به باطل نیست، بلکه منظور پیروی او در دعوت‌هایی است که به عنوان دین می‌کند و باطلی را که اجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می‌پیچد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۱۵۲).

۸ - آخرت گرایی: در برخی از آیات قرآن کریم بعد از برشمردن روزیهای انسان، خداوند متعال او را نسبت به روز قیامت و حساب‌کشی آن انذار می‌دهد: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ* وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَّا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَّا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره/ ۴۷ و ۴۸).

۹. عدم مد عین به مال: یکی دیگر از وظایف مرزوقین را می‌توان عدم ایجاد محبت و علاقه به مالی ذکر کرد که در دست مردم هست (طه/ ۱۳۱). مد عین به معنای مد دید آن است؛ یعنی نگاه را طولانی کردن و در این تعبیر مجاز عقلی به کار رفته و نگاه طولانی به هر چیز کنایه است از شدت علاقه و محبت به آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۳۳). علاقه‌مندی به مال و حب بیش از اندازه می‌تواند زمینه ساز عدم اطاعت انسان را فراهم کند؛ به عنوان مثال یکی از دلایل عدم اجرای تکالیف مالی یا انفاق مستحبی را می‌توان در حب مال دانست.

۵ - ۴ - کارکردهای اعتقاد به سنت رزق در کسب و کار
در این قسمت به برخی از کارکردهایی اشاره می‌شود که سنت رزق در حوزه سازمانی و کسب و کار می‌تواند داشته باشد:

۵ - ۴ - ۱ - اهتمام به تکالیف مرزوقین در کسب و کار
کسب و کار چه در قالب تشکیلات سازمانی و چه در قالب محدودتر باید در جایگاه مرزوقین دیده شود و نسبت به وظایفی که مرزوقین دارند، اهتمام کرد. روشن است برخی از این وظایف جنبه حقوقی و قانونی ندارد؛ اما کسب و کار اسلامی باید خود را به آنها متصف کند. مفاهیمی مانند انفاق سازمانی، تقوای سازمانی و ... در ادبیات متعارف مدیریت به رسمیت شمرده نمی‌شود؛ اما از دیدگاه اسلامی می‌تواند مورد تأکید و توجه قرار گیرد؛ به عنوان مثال تقوای سازمانی ایجاب

می‌کند که در کسب و کار از حدود الهی تخطی نکند و بر اساس اعتقادی که به رزق الهی دارد، رزق خود را مقدر ببیند و وظایفی را که به برخی از آنها اشاره شد جزء تکالیف خود بداند. روشن است که نهادینه شدن این ارزش می‌تواند آثار سودمندی در بهبود روابط تجاری و تنظیم آن بر اساس بایسته‌ها و آموزه‌های دینی ایجاد کند.

۵ - ۴ - ۲ - توجه به سنت‌های الهی در برنامه ریزی

دومین نکته لزوم توجه سازمانها و مسئولان جامعه به سنت‌های الهی است. همان طور که ذکر شد، سنت‌های الهی اجتماعی یکی از سنت‌های الهی است که به رفتار اجتماعی مرتبط است. لازم است رفتارهای اجتماعی و گروهی چه در سازمان و چه در محیط بزرگتر آن یعنی جامعه به گونه‌ای هدایت و جهت‌دهی شود که متناسب با سنتها پیش رود. برنامه ریزی در واقع نوعی تلاش برای کنترل فعالیتها و اقدامات در بستر زمانی آینده برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده است. بر اساس نگاه الهی، تمام روابط و حرکت‌های عالم به اراده الهی و در چهارچوب سنت‌های اوست. حتی مادی ترین رفتارها که علت معلولها مشخص است بر اساس سنت الهی جریان می‌یابد. بر اساس این دیدگاه ضروری است به سنت‌های حاکم بر هستی توجه ویژه‌ای، و با در نظر گرفتن آنها برنامه ریزی در سطوح مختلف انجام شود؛ به عنوان مثال بر اساس آیه ۹۶ سوره اعراف اگر ایمان و تقوا در جامعه رواج داشت، نزولات آسمانی و برکت، آن سرزمین را فرا خواهد گرفت. بر این اساس لازم است در سطح اداره کلان جامعه علاوه بر پروژه‌های عمرانی و سدسازی یا مبارزه با آفات و امراض نباتی و حیوانی بر بعد تربیتی و فرهنگی جامعه و ارتقای آن تأکید شود. این دست از موضوعات در سازمانها و بنگاه‌های خصوصی یا دولتی نیز قابل طرح و بررسی است؛ به عنوان مثال دوم یکی از سنت‌های الهی این است که کسانی که تقوای الهی را رعایت کنند در وضعیتی که به تنگنا می‌رسند و در سختی قرار می‌گیرند، خداوند برای آنها گشایش قرار می‌دهد. بر اساس این سنت الهی، کسب و کاری که دچار مشکلات مالی شده است، اگر تقوای الهی به خرج دهد و از طرق نامشروع سعی در حل مسئله مالی خود نکند بر اساس سنت الهی امداد و کمک می‌شود:

امام علی علیه السلام می‌فرماید: لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا عَلَى عَيْدٍ رَتْقًا، ثُمَّ أَتَقَى اللَّهَ، لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (غرر الحکم، ح ۷۵۹۹): اگر آسمانها و زمین بر بنده‌ای بسته شود و او تقوای الهی پیشه کند، خداوند حتما راهی برای او می‌گشاید و از جایی که گمان ندارد، روزیش می‌دهد.

۵ - ۴ - ۳ - بازخوانی رقابت در کسب و کار از دیدگاه سنت رزق

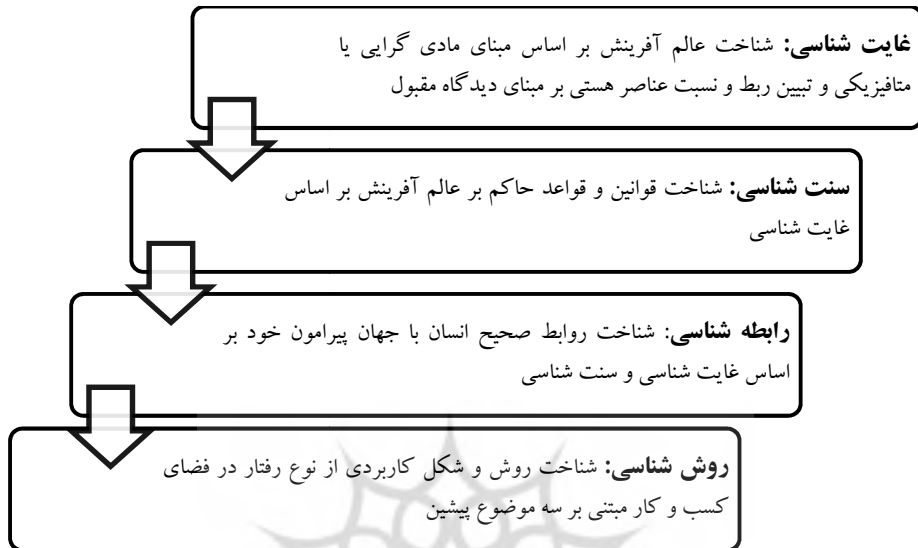
امروزه در حوزه مدیریت سازمان مسلم شده است که موفقیت، بقا و رشد سازمان در موقعیت کنونی در گرو مدیریت راهبردی اثربخش است. غالب دانش مصرفی در حوزه مدیریت راهبردی در کشور بر تفکر سرمایه داری و اقتصاد بازار مبتنی است. اقتصاد بازار ادعا دارد که رقابت در میان بنگاه‌ها به عنوان مهمترین و لازمتین اصل اقتصاد می‌تواند ضمن تحقق کارایی در سطح بالا به رفاه برای مصرف‌کنندگان منجر شود. نگاه نظام اقتصاد بازار بر این استوار است که حضور برترین، بهترین و ارزاترین تولیدکنندگان در بازار به ایجاد رفاه برای مصرف‌کنندگان منجر می‌شود و بهترین ابزار برای رسیدن به این بازار آرمانی برقراری رقابت شفاف و آزاد است. «بنا بر نظر اقتصاددانان کلاسیک، بازارهای رقابتی هم برای جوامع و هم افراد مفید است. هر چند معمولاً عقیده بر معتبر بودن این اصل اقتصاد کلاسیک وجود دارد در نظام سرمایه داری غرب بویژه ایالات متحده امریکا، تمام بازارها - به خلاف این اصل اقتصاد کلاسیک - تحت تأثیر قوانین قرار دارد» (کوشزاده و اصلی پور، ۱۳۸۹: ۹۳).

یکی از مهمترین مفاهیم محوری و اصلی در روابط تجاری و کسب و کار، که پایه و اساس بسیاری از نظریه‌های این حوزه نیز به شمار می‌آید، رقابت است. در این نوشتار برای تحلیل جایگاه این مفهوم در نظریه‌های حوزه اقتصاد و بازرگانی، آن را از دیدگاه روابط و تعاملات انسانی مورد بررسی قرار می‌دهیم. رقابت نوعی از تعامل انسانها با یکدیگر تلقی می‌شود و در عین حال این گونه تعامل بر پیشفرضها و اعتقادات هستی‌شناسی خاصی مبتنی است؛ لذا رقابت خود تجلی و بروز یافته نوعی ارتباطات اجتماعی بین انسانهاست. در واقع اصل رقابت در فضای کسب و کار تأثیرپذیر از مبانی خود، تعاملات انسانی و ارتباطات اجتماعی انسان در بازار و فضای کسب و کار را این گونه تنظیم می‌کند که باید به شکل رقابتی (البته با قرائنهای مختلف) رفتار کرد. مهمترین وظیفه نظریه‌های مدیریت راهبردی مبتنی بر نگاه اقتصاد بازار را می‌توان برتر نمودن یک بنگاه در فضای رقابتی در مقایسه با سایر رقیبان خود دانست. موضوعی که باعث شده است تا نظریه پردازان حوزه راهبرد بی‌پروا مدیریت راهبردی عرصه تجاری را به عرصه‌های نظامی و میدان جنگ تشبیه کنند (دیوید، ۱۳۸۵).

برای اینکه بدانیم نحوه تعامل و ارتباطات انسانی در فضای کسب و کار چگونه تنظیم شود، باید مبانی پایه‌ای و ریشه‌ای شکل دهنده به قالب رفتاری انسان بررسی شود. نخستین مبانی فکری و

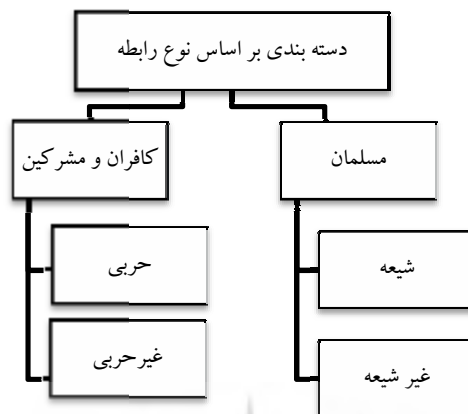
اعتقادی که شکل دهنده روابط حاکم در فضای کسب و کار است، جایگاه زندگی دنیوی و مادی است. صرف نظر از دین و آیین ظاهری جامعه، این سؤال مطرح است که آیا تفکر مادی‌گرایی و خلاصه شدن هستی در عالم ماده در روح جامعه جریان دارد یا اینکه ویرای آن زندگی دیگری را متصور و معتقد است.^(۵) بعد از تبیین این مبنا، لازم است در خصوص ساختارها و چهارچوبهایی بحث شود که فرد باید برای بهره‌مند شدن از منافع عالم ماده بر اساس آن عمل کند. مهمترین سؤال در این قسمت این خواهد بود که آیا در مرحله کسب بهره و منفعت مادی، تنها تلاش انسان و علت‌های مادی نقش دارد یا فراتر از آن عواملی در بسط و قبض بهره و نصیب آدمی اثرگذار است و تلاش انسان بشدت به اراده‌ای فراتر از خواسته انسان وابسته است و در نهایت در صورت قائل شدن به تأثیر دوگانه، ربط و نسبت میان دو آن چگونه است. گذشته از مرحله کسب درآمد و منافع مادی، آیا در مرحله استفاده و بهره‌مند شدن نیز قوانینی هست که مرحله کسب درآمد را از خود تأثیرپذیر می‌کند؟ هم چنین اعتقاد به اینکه آیا عمل به این قوانین نقشی در عالم دنیا دارد یا اینکه محاسبه آن تا قیامت فرصت داده شده است نقشی مهم در شکل‌دهی نوع روابط در فضای تجاری و کسب و کار است.^(۶)

در نهایت در سطح سوم موضوع رابطه‌شناسی مطرح می‌شود که بر اساس دو سطح قبلی نوع رابطه انسان با جهان پیرامون و سایر انسانها را شکل می‌دهد. در نهایت در سطح آخر روشها و الگوهای کاربردی و عملیاتی مطرح می‌شود که بر اساس سه سطح قبلی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد که این چهار سطح می‌تواند شکل‌دهنده یا تبیین‌کننده مفاهیم و الگوهای کاربردی در عرصه کسب و کار بر اساس جهان‌بینی‌های مختلف باشد. (شکل ۵)



شکل ۵ - الگوی تحلیل و طراحی مفاهیم و الگوهای کاربردی در عرصه کسب و کار

آنچه در این نوشتار تا حدودی به آن پرداخته شد در سطح سنت شناسی است که رزق به عنوان یکی از سنتهای الهی در حوزه کسب و کار شناخته می‌شود. اما در مورد رابطه شناسی به نظر می‌رسد یکی از مهمترین نوشتارهایی که می‌تواند مفاهیم اصلی و پایه‌ای نوع ارتباطات و تعاملات به طور عام را تعریف کند، بحثی است که شهید مطهری تحت عنوان ولاءها و ولایتها از آن می‌کند و به تبیین دو نوع ولاء مثبت و منفی می‌پردازد. ولاء مثبت یا اثباتی را نیز دو دسته می‌کند و نام ولاء اثباتی عام و ولاء اثباتی خاص بر آنها می‌گذارد (مطهری: ۱۳۸۵: ۱۴۳). علت ارتباط این بحث با موضوع رابطه شناسی از اینجا ناشی می‌شود که بر اساس اینکه طرف مقابل در روابط تجاری مسلمان باشد یا غیر آن، باید بر مبنای نوع ولاء خاص صورت گیرد. ولاء اثباتی عام در رابطه با مسلمان و جامعه اسلامی است و ولاء منفی در خصوص مشرکان و کافران است. البته ولاء اثباتی خاص اهل بیت است. با توجه به شکل ۶ نوع ارتباط در عرصه تجاری با هر یک از افراد ذیل متفاوت بر اساس نوع ولاء خاص آن گروه باید تنظیم شود.



شکل ۶ - دسته بندی بر اساس نوع رابطه

در خصوص میزان ولاء اثباتی مسلمان نسبت به یکدیگر، شدت و قوت تاحدی است که قرآن کریم زمانی که در مورد حکم قصاص در قتل سخن می گوید، قاتل و ولی دم را برادر یکدیگر معرفی می کند (بقره/۱۷۸). با این توضیحات به نظر می رسد که می توان براحتی اصل رقابت در کسب و کار را (حداقل با قرائت فعلی آن) از دیدگاه اسلامی به چالش کشید. در رقابت کسب و کار، آدمی منفعت خود را در کنار زدن حریف و رقیب از میدان و جلب نظر مشتریان او می داند؛ امری که نه بر اساس مبنای سنت شناسی اسلامی است و نه با نوع رابطه‌ای که میان مسلمین باید باشد سازگاری دارد. اگر بخواهیم با چند عبارت کوتاه نگاه اجمالی را از نظر اسلام نسبت به شکل ۵ نشان دهیم، می توان خلاصه‌ای از نکات را در شکل ۷ مشاهده کرد.



شکل ۷ - نگاه اسلامی به الگوی تحلیل و طراحی مفاهیم و الگوهای کاربردی در عرصه کسب و کار

در خصوص روش شناسی که در واقع شکل عملیاتی شده اعتقادات در قالب رفتار است بر مفاهیمی نظیر ایثار، تعاون و همکاری^۱، یاری و کمک برای رشد و انفاق به جای مفهوم ناسازگار رقابت تأکید شده است. بسیاری از الگوهای موجود در مدیریت بازاریابی یا استراتژیک مبتنی بر اصل رقابت طراحی شده است. به نظر می رسد که تبیین نظری و مفهومی درست این الگو می تواند زمینه مناسبی برای عرضه الگوهای کاربردی در عرصه کسب و کار از دیدگاه اسلامی فراهم کند.

۶ - جمع بندی

آنچه در این نوشتار دنبال شد، تبیین سنت رزق به عنوان یکی از موضوعات بنیادین در ارتقای فرهنگ کسب و کار بود. سنت رزق از جمله موضوعاتی است که تنها در حیطه مسائل مدیریت

1 - Collaboration

اسلامی به رسمیت شمرده می شود - و نه در حوزه متعارف - که برای تبیین آن سعی شد با مشخص کردن آیاتی از قرآن کریم، که ریشه رزق در آنها به کار رفته است به تبیین مفهومی آن اقدام شود. بر این اساس الگوی به دست آمده سه بعد اصلی تحت عناوین رزق، رازق و مرزوق دارد. به طور خلاصه می توان رزق را هر چیزی دانست که انسان از آن بهره می برد؛ اعم از مادی و غیر آن. در قرآن کریم رزق با توصیفات مختلفی آمده که عبارت است از رزق طیب، رزق کریم، رزق معلوم، رزق تفضیل داده شده، رزق بغیر حساب و رزق من حیث لایحتسب. برخی از دوگانهای رزق از دیدگاه قرآن نیز مشخص شد که عبارت است از رزق تکوینی و تشریحی، رزق حرام و حلال، رزق دنیوی و اخروی، رزق مادی و معنوی، رزق عام و خاص، رزق طبیعی و غیرطبیعی و رزق عادی و غیرعادی. پس از تبیین مفهومی رزق از دیدگاه قرآن، تلاش شد با طرح دو کارکرد این سنت جایگاه آن در کسب و کار و مدیریت تبیین شود. در خصوص ابعاد سنت رزق دو بعد مقرر بودن رزق و سنت قبض و بسط رزق مورد بحث قرار گرفت و حکمت آن و نیز عواملی که به قبض و بسط رزق منجر می شود از دید قرآن مورد بررسی قرار گرفت. در بعد دوم الگو که رازق است، خداوند به عنوان رازق حقیقی معرفی شد. در بعد سوم الگو به آسیب شناسی رفتار مرزوقین در مقابل قبض و بسط رزق پرداخته شد؛ هم چنین وظایف اینان در مقابل استفاده از رزق الهی بیان شد. در نهایت به سه کارکرد سنت رزق در حوزه کسب و کار اشاره شد. نخست به ضرورت اهتمام توجه کسب و کار به اجرای تکالیفی اشاره شد که به عنوان مرزوق بر عهده دارند. دوم توجه به سنتهای الهی در سازمان بویژه در برنامه ریزی اشاره شد که به عنوان مثال مهمی از آن می توان به سنت ارتقای فرهنگ دینی مردم و افزایش برکات آسمانی اشاره کرد. توجه به این موضوع باعث می شود که متولیان و مسئولان مبارزه با خشکسالی و ارتقای منابع آبی را تنها در موضوعاتی نظیر سد سازی و ... نبینند و بر اساس این سنت به برنامه ریزی برای بهبود فرهنگ دینی مردم اقدام کنند؛ اما کارکرد سوم که تبیین کننده مختصاتی از موضوع است، بازخوانی اصل رقابت با توجه به سطوح غایت شناسی، سنت شناسی، رابطه شناسی و روش شناسی است. این نوشتار تا حدودی به تبیین سنت شناسی اقدام نمود. در بحث رابطه شناسی باید گفت از دیدگاه اسلامی رابطه میان مسلمانان برادرانه معرفی شده است؛ با این حساب به نظر می رسد که رفتارهای رقابتی با شکل فعلی آن که غالب نظریه های مدیریت راهبردی بر تفکر سرمایه داری مروج آن مبتنی است، ناسازگار با مفاهیم اسلامی شناخته می شود. البته تبیین دقیقتر این موضوع، پژوهش مستقلی می طلبد که در

نهایت بعد از تبیین نظری و مفهومی آن، لازم است در شکل روش شناسی الگوهای کاربردی از آن عرضه شود.

یادداشتها

- ۱ - در فصل روش شناسی پایان نامه به طور مفصل، مبانی پژوهشی شامل تعریف دین، منابع معرفت شناسی دین و نسبت میان آنها، دامنه معارف نقلی، رابطه میان مسائل و موضوعات علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی متعارف، چگونگی رویارویی با نقل، چستی تحقیق موضوعی در قرآن، انواع تفسیر، چستی تفسیر قرآن به قرآن، جایگاه حدیث در نقل پژوهی و پرداخته، و در نهایت به صورت عملیاتی و کاربردی مراحل تحقیق موضوعی در نقل عرضه شده است. علت عدم پرداختن به جزئیات روش شناسی مورد استفاده، پرهیز از طولانی شدن مقاله بوده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مسعودی پور ۱۳۹۱.
- ۲ - این سؤال در اینجا قابل طرح است که آیا سازمان شرایط لازم برای بار شدن سنتهای الهی بر آن را دارد. پاسخ به این سؤال نیازمند تحلیل فلسفی هویت سازمان است که آیا اصالت دارد یا موجودی اعتباری است. با توجه به اینکه موضوع حاضر، بحث مستقلی می طلبد در اینجا به طرح سؤال بسنده می شود. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به مسعودی پور، ۱۳۹۱.
- ۳ - این نکته از آیات مختلفی از جمله *وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ* (نساء/ ۲) نیز قابل دریافت است؛ چون در این آیه میان این دو کلمه تقابل ایجاد کرده است.
- ۴ - بنابراین ذکر دوگان رزق حرام و رزق حلال به این دلیل بوده که در قرآن به آن اشاره شده است؛ نه اینکه قرآن بخواهد مفهوم رزق حرام را به رسمیت بشمرد.
- ۵ - دو تفکر مادی گرایی و متافیزیکی دو عنوان اصلی و رقیب در هستی شناسی و معرفت شناسی مطرح است؛ اگر چه هر یک از آنها ممکن است به شاخه ها و شعبه های مختلفی تقسیم شود.
- ۶ - البته باید توجه کرد که مهمترین، اثربخشتترین و اصلی ترین عنصر تنظیم کننده روابط انسانی، آخرت گرایی است. در اینجا هدف نوشتار این نیست که از این عامل مهم غفلت شود و برای تنظیم روابط انسانی در فضای کسب و کار خود را محدود به نتایج دنیوی و مادی کنیم؛ چرا که بسیاری از سنتها و قواعد الهی و نیز حکمت آنها که در عالم دنیا جریان دارد بر انسان پوشیده است و به قطع و یقین نمی توان حکم به آنها نمود؛ ضمن اینکه دستورهای دین مجموعه به هم پیوسته و منسجمی است که بشدت بر یکدیگر اثر می گذارد.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه احمد فولادوند.
- ابن منظور، جمال الدین محمد (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۸). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. چ هفتم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۶۵). سنتهای اجتماعی در قرآن کریم. مجله مشکوه. ش ۱۱: ۲۷ تا ۴۴.
- حجتی، سید محمد باقر؛ رضایی، علی (۱۳۸۶). جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق. پژوهش نامه قرآن و حدیث. ش سوم: ۷ تا ۳۲.
- خرمشاهی، بهاء الدین؛ انصاری، مسعود (۱۳۷۶). پیام پیامبر. ج اول. تهران: منفرد.
- دیوید، فرد (۱۳۸۵). مدیریت استراتژیک. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دیوید، فرد آر (۱۳۸۹). مدیریت استراتژیک. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. چ شانزدهم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. دار العلم - الدار الشامیه..
- رجبی، محمود (۱۳۸۳). قانون مندی جامعه و تاریخ (مبانی فلسفه تاریخ در قرآن). مجله تاریخ در آینه پژوهش. ش ۲: ۲۳ تا ۶۴.
- سلیمانی، جواد (۱۳۸۸). سنت آزمایش در منظومه هستی از منظر قرآن (فلسفه، تحول و رابطه با سایر سنت ها). معرفت. س هجدهم. ش ۱۴۳: ۱۱۰ تا ۹۵.
- سلیمی، مهدی (۱۳۸۵). سنت‌های الهی در قرآن. مجله رشد آموزش معارف اسلامی. ش ۶۰: ۲۴ تا ۲۸.
- سوزنجی، حسین (۱۳۸۵). اصالت فرد، جامعه یا هر دو، بررسی تطبیقی آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی. مجله قیاسات. ش ۴۲: ۴۱ تا ۶۰.
- سهراب پور، همت (۱۳۷۹). سنت‌های الهی. چ دوم. دفتر انتشارات اسلامی.
- شریفی، فاطمه (۱۳۸۴). نصرت الهی و شرایط آن در قرآن و حدیث. تهران: ماهرنگ.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عصیانی، علیرضا (۱۳۸۶). تفسیر موضوعی رزق و رزاق از منظر قرآن. انتشارات بوستان دانش.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۹). سنت‌های حاکم بر جوامع بشری. مجموعه مقالات صحیفه مبین. ش ۴: ۱۱۵ تا ۱۳۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چ ششم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کوشازاده سیدعلی؛ اصلی پور، حسین (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی کسب و کار (راهنمای زبان تخصصی مدیریت). مارک ورنون. تهران: دانشگاه امام صادق.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶). استدراج (سقوط گام به گام). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چ پنجم. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز الکتاب لترجمه و النشر.
- مطهری مرتضی (۱۳۸۵). *شش مقاله*. چ نوزدهم. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. دار الکتب الإسلامیة.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۲). *مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۷). *فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان بینی قرآن کریم)*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

